



**قرار است رئیس جمهور از شهری کوچک که مشخص نیست در کجای ایران قرار دارد، بازدید کند، به همین علت اکثر مردم شهر شروع به نوشتن نامه برای رئیس جمهور می‌کنند و از مشکلاتشان می‌گویند. نامه‌ها بعد از بازدید رئیس جمهور از شهر باید به سرعت به دست او برسند و در این بین حاج صمد، راننده وانت محلی طی اتفاقی مأمور انجام این کار می‌شود... این داستان فیلم «گیرنده» به کارگردانی و نویسندگی مهرداد غفارزاده آخرین فیلمی است که بافر صحرائوردی سال ۱۳۹۰ در آن ایفای نقش کرد.**

## گزارشی در مذمت فراموشی نغمه‌های ماه رمضان وقتی ذکر خوانی فراموش و نقره‌ها خاموش می‌شوند

آن روزها، همه چیز رنگ و بوی دیگری داشت. غروب که می‌شد بوی خوش حلیم و آش و نان تازه در فضا می‌پیچید و طبق‌های زولبیا و بامیه قرار از کف می‌بود. مردم، روزهدار بودند و آن‌ها که به هر دلیل نمی‌توانستند روزه بگیرند حرمت ماه مبارک رمضان را نگه می‌داشتند و روزه‌خواری نمی‌کردند. آن روزها همه چیز ساده و صمیمی بود. سفره‌راپهن می‌کردند؛ نان و پنیر و سبزی؛ چای و خرما و صدای دلنشین و خاطره برانگیز استاد رحیم مؤذن زاده. گویی روز همان جز بارزئای شجریان و اذان مؤذن زاده گشوده نمی‌شد. در بعضی شهرهای ایران نقره می‌نواختند و همسایه‌ها با ذکر صلوات، همسایه‌شان را از خواب بیدار می‌کردند، اما امروز نغمه‌های رمضان، فراموش می‌شود و آداب و رسم‌وش از یاد می‌رود. آواهی که می‌توانند گردشگران بسیاری را از گوشه و کنار به سوی خود بخوانند و پسر سفره افطار نشانند.

بیش از ۹۰ نوع صلوات خوانی گروهی در نقاط مختلف ایران وجود داشته که متأسفانه در حال حاضر تنها دو نوع آن را می‌شناسیم. شناسایی این هنرها، وظیفه پژوهشگران و حمایت برای همگانی شدن آن، وظیفه متولیان فرهنگی است؛ همان مسئولانی که در همه این سال‌ها تلاشی برای زنده ماندن نغمه‌ها و آیین‌های سنتی نکرده‌اند. در صورتی که می‌توانستند و می‌توانند بود چه مستقلاً را فراهم نمی‌آورند.

بیش از ۹۰ نوع صلوات خوانی گروهی در نقاط مختلف ایران وجود داشته که متأسفانه در حال حاضر تنها دو نوع آن را می‌شناسیم. شناسایی این هنرها، وظیفه پژوهشگران و حمایت برای همگانی شدن آن، وظیفه متولیان فرهنگی است؛ همان مسئولانی که در همه این سال‌ها تلاشی برای زنده ماندن نغمه‌ها و آیین‌های سنتی نکرده‌اند. در صورتی که می‌توانستند و می‌توانند بود چه مستقلاً را به موسیقی مذهبی و از جمله موسیقی رمضان اختصاص دهند. نویسنده کتاب «موسیقی رمضان» بر این باور است که پیش از اسلام، ایرانی‌ها یکتاپرست بودند و روزهایی از سال، از خوردن بعضی خوردنی‌ها برهیز می‌کردند اما روزه نمی‌گرفتند تا این که اسلام آمد و یکی از موارد مهمی که باید به آن توجه می‌کردند بیدار کردن دیگر مسلمانان برای سجری خوردن و خواندن نماز صبح بود. همانگونه که سپاهیان ایرانی پیش از اسلام، همزمان با طلوع آفتاب بر طبل می‌نواختند؛ رسمی که پس از اسلام به شیوه‌ای برای بیدار کردن مسلمانان تبدیل شد.

چاوید، موسیقی رمضان را به چند دسته تقسیم می‌کنند و می‌گویند: ایرانیان مسلمان بنا بر یک رسم کهن کرده بودند یک تا سه روز پیش از رؤیت هلال ماه رمضان به پیشواز این ماه بروند. به همین خاطر، یک ساعت به اذان صبح مانده به پام خانه خود می‌رفتند و اذان می‌گفتند و مردم را به صلوات فرستادند، دعوت می‌کردند. این گونه آوازها، اغلب در چهارگاه اجرا می‌شد و گونه‌های چاووش خوانی بود. بعدها سحرخوان‌ها، علاوه بر آواز، نقره هم می‌نواختند تا حنجره‌شان، دمی بیاساید، مناجات‌خوانی، اذان گفتن و دعا خواندن بخش‌های دیگری بود که به وقت سحر، یکی پس از دیگری اجرا می‌شد و این‌ها همه تمهیداتی بود که ایرانیان در گذشته برای به‌موقع بیدار کردن مؤمنان از خواب، اندیشیده بودند.

چه بهتر از این که افراد خوش صدا، یک یا دو ساعت پیش از اذان صبح، بر پام خانه‌شان و نابوایی خوش، مناجات بخوانند و مردم با این آوازها بیدار شوند و به تدارک سفره سجری بپردازند. مناجات‌خوانی، سحرخوانی، شب‌خوانی رمضان، سحر آوایی، مناجات‌سجری و دهم



سجری، نام‌های گوناگونی بود که در هر منطقه بر این نوع آواز خوانی وقت سحر گذاشته بودند.

سحرخوان‌ها تا نزدیک اذان به خواندن ادامه می‌دادند و به وقت اذان که نزدیک می‌شدند ایبائی را می‌خواندند که پایان هر بیت آن با یک صلوات همراه بود و همین رمزی بود که مردم تازه بیدار شده را آگاه می‌کرد که دیگر وقت کمی برای خوردن پیش از غروب آفتاب، این کار صلوات خوانی می‌گفتند. سپس، دعاءخوان‌ها دعای سحر را می‌خواندند و پس از آن مؤذن، نوای خوش اذان را به گوش مؤمنان می‌رساند.

گاه در مراسم سحرخوانی از طبل و دهل و شیپور و نقره هم استفاده می‌کردند. گرچه در نقاط مختلف ایران از سازهای متفاوت استفاده می‌شد برای مثال ترکمن‌ها از دو تار و مردم کرمانشاه از تشبیر و در اقلانقه‌ها از دف استفاده می‌کردند اما یکی از مراسمی که به وقت افطار انجام می‌شد این بود که یک ساعت پیش از غروب آفتاب، سه بار بر طبل می‌نواختند و این نواختن‌ها هر بار تندتر می‌شد تا مردم روزه‌دار بدانند چندتر به زمان افطار نزدیک شده‌اند و چه وقت می‌توانند از کار روزه‌دار دست بردارند و بر خوار بر نعمت رمضان بنشینند.

بخش دیگری از موسیقی رمضان، به دیدن هلال ماه، چه هلال ماه مبارک و چه ماه شوال برمی‌گشت. در این آیین، بزرگان شهر به اتفاق یک یا دو نفر نوحه‌خوان خوش صدا به بلندی‌های مشرف به منطقه خود می‌رفتند و چشم به آسمان می‌دوختند. وقتی بزرگان، دیدن ماه را تأیید می‌کردند، نوحه‌خوان جمع را به فرستادن صلوات دعوت می‌کرد و به خواندن آوازهایی در تکریم و استقبال از ماه رمضان می‌پرداختند یا اگر ماه شوال را در آسمان دیده بودند یا ماه مبارک خداحافظی می‌کردند و از خداوند می‌خواستند تا طاعات و عبادات‌شان را بپذیرد.

اما رسم نقره‌زنی برای رؤیت هلال به پیش از اسلام برمی‌گردد؛ ایرانی‌ها، ابتدای هر ماه نقره می‌زدند تا رسیدن ماه تازه را خبر دهند. در شاهنامه فردوسی ۱۸ بار به نقره‌زنی اشاره شده است. پس از اسلام این رسم به گونه‌های دیگر ادامه پیدا کرد؛ چاووش‌خوان‌ها هم آمدن ماه رمضان را نوید می‌دادند. به این معنی که دو یا سه روز قبل از فرا رسیدن ماه مبارک که به خیابان‌ها می‌رفتند و آمدن ماه مهمانی خدا را نوید می‌دادند تا مسلمان‌ها خود را برای چنین ماهی آماده کنند و غیر مسلمان‌ها تظاهر به روزه‌خواری نکنند. همین جاش‌خوان‌ها سه روز آخر ماه مبارک، «الوداع خوانی» می‌کردند و به استقبال ماه شوال می‌رفتند.

«ذکر خوانی»، مهم‌ترین ویژگی موسیقی رمضان از دیدگاه چاوید

### کنسرت روز

#### در جشنواره تابستانه کیش چه خبر است؟

ماه رمضان امسال در قیاس با سال‌های گذشته کنسرت‌های بیشتری برگزار می‌شود. درست است که تعداد این اجراها زیاد نیستند اما به اندازه‌ای هستند تا علاقه‌مندیانی که روزه‌دارند و شب‌ها فرصت و انرژی بیشتری دارند، دیدن یک اجرای موسیقی را هم در برنامه خود قرار بدهند.

جزیره کیش در روزهای آغاز ماه رمضان با حرارت و شور بیشتری میزبان هنرمندان موسیقی است و قرار است در ادامه کنسرت‌هایی که در دو هفته اخیر برگزار شده، مرتضی پاشایی، مازیار فلاچی و شهرام شکوهی در کیش روی صحنه بروند. این مجموعه کنسرت‌ها با عنوان «جشنواره کنسرت‌های تابستانه کیش» آغاز شد و در هفته پیش رو با اجرای این سه ستاره موسیقی پاپ ادامه پیدا می‌کند. پس از پهنام صفوی، امید حاجیلی و امیر یگانه، این بار سه خواننده دیگر برای اجرای کنسرت در جشنواره کنسرت‌های تابستانه به جزیره کیش می‌روند. مرتضی پاشایی خواننده جنجالی و پر سر و صدای این روزها که مبارزه او با بیماری سرطان حس غرور و غم توأمان برای علاقه‌مندان به وجود آورده، امشب در تالار شهر جزیره کیش روی صحنه خواهد رفت. چهارشنبه ۱۱ تیر ماه هم مازیار فلاچی خواننده آلبوم‌های محبوب «قلب یخی» و «لغت به من» در این تالار روی صحنه خواهد رفت. او اخیراً اجرای پر مخاطبی را در تهران تجربه کرده بود. همچنین شهرام شکوهی خواننده دو آلبوم «مدارا» و «کولی عشق» که موسیقی‌اش حال و هوای خاصی دارد و این روزها طرفداران بسیاری پیدا کرده روز پنجشنبه ۱۲ تیرماه در جزیره کیش روی صحنه خواهد رفت. علاقه‌مندان می‌توانند بلیت‌های این کنسرت‌ها را از کانتراهای گردشگری جزیره کیش و یا تالار شهر تهیه کنند.



بعد از آن در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ آن‌ها تعدادی کار با کمیانی SAR ضبط کردند که تعدادی از آن‌ها شامل آثاری از موسیقی گاسپل هم می‌شدند اما کوک خیلی زود توانست آن‌ها را متقاعد کند که «راندبی» ضبط کنند و نام‌شان را نیز به «ولنتینوز» تغییر دهند. در سال ۱۹۶۲ آن‌ها توانستند با آهنگ «به دنبال یک عشق» در جدول «راندبی» در میان ده آهنگ برتر قرار گیرند و کوک آن‌ها را به محضر جیمز براون (افسانه بزرگ و بنیانگذار موسیقی سول)، به شاگردی فرستاد. در نهایت بایی به عنوان گیتاریست به گروه همراهی کننده کوک پیوست. تک‌آهنگ گروه ولنتینوز در سال ۱۹۶۴ به نام «حالا همه چیز تمام شده» که به وسیله بایی نوشته شد به سرعت توسط گروه رولینگ استونز بازخوانی شد و زمانی که به عنوان آهنگ شماره یک گروه استونز در بریتانیا به بالای جدول رسید و وومک را تبدیل به مرد ثروتمندی کرد.

مرگ کوک در دسامبر سال ۱۹۶۴ و وومک را به شدت تکان داد و حرفه ولنتینوز را در برزخ قرار داد. اما وومک بعد از سه ماه از مرگ کوک با بیوه او باربارا کمپبل ازدواج کرد، اقدامی که برای او نفرت و بدبینی زیادی از جانب جامعه «راندبی» به دنبال داشت. افراد زیادی او را یک فرصت‌طلب می‌دیدند که به دنبال مال و منالی در ارث و میراث کوک است. این بدبینی به علت بالاتر بودن سن و سال کمپبل از وومک تشدید می‌شد. بر طبق گفته وومک او در ابتدا این انگیزه و داشت که از کمپبل مراقبت کند نه این که خاطره استاد عزیزش را لکه‌دار کند. به هر جهت وومک با وجود این رسوایی نتوانست حرفه شخصی‌اش را با موفقیت پیش برد. تک‌آهنگ‌هایی همچون «من یک عشق واقعی پیدا کردم» و «هیچ کاری نیست که بتوانی انجام دهی» علی‌رغم کیفیت‌شان همچون طاعون مورد قهر واقع شده و نادیده گرفته شدند. وومک در نهایت به عنوان یک گیتاریست دوم در ابتدا کار را برای چارلز شروع کرد و بعد از آن هم معمولاً در استودیوی ام‌کی‌بای مقیم دیده می‌شد. در این مسیر او در آثار ضبط شده کلاسیکی نظیر کارهای جو تکز، کینگ کرس او آر تانکلین شرکت داشت. در پی این سال‌ها یعنی در دهه شصت و هفتاد، وومک مسیر رو به جلو و روشی را در عرصه موسیقی طی می‌کند آلبوم‌های مختلفی می‌آفریند و با هنرمندان سرشناس دیگر هم‌عصرش همکاری می‌کند تا این که در سال ۱۹۷۴ به دلیل قتل برادرش که در آپارتمان بایی رخ می‌دهد به طور جدی به اعتیاد روی می‌آورد با این حال در سال‌های ۷۵ و ۷۶ نیز در ده آهنگ برتر موسیقی «راندبی» جای خود را حفظ می‌کند اما در این دوران او از افسردگی رنج می‌برد و این بیماری همراه با اعتیاد طی مرگ فرزند خردسالش در سال ۱۹۷۶ به طور متناوب در زندگی او ادامه پیدا می‌کند. وومک علت اصلی اعتیادش را مرگ فرزندش می‌دانست و به گفته خودش یک بار در دهه ۸۰ موفق می‌شود آن را ترک کند. وومک در سال‌های پایانی عمرش به بیماری دیابت دچار می‌شود و در اوایل سال ۲۰۱۳ تحت مراقبت‌های پزشکی در بیمارستان گری می‌گیرد اما از این بیماری جان سالم به در می‌برد اما بعد، در مارچ سال این رسانه‌ها اعلام می‌کنند که وومک دچار بیماری سرطان شده و بعد اعلام می‌کند که طی عمل جراحی بیماری او بهبود پیدا کرده اما در اول ژانویه سال ۲۰۱۳ او تأیید می‌کند که دچار آلزایمر شده و از اسامی ترانه‌های خود و اشخاص را به خاطر نمی‌آورد. او در ۲۷ جون ۲۰۱۴ و ۲۰ سالگی درگذشت. با این وجود علت اصلی مرگ او ناشناخته باقی مانده است.



«آر.اندبی» ضبط شد و بهترین‌های آن‌ها به عنوان بهترین کلاسیک‌های همه‌دوران‌ها انتخاب شدند.

بایی دودین وومک در ۴ مارچ ۱۹۴۴ در کلوند به دنیا آمد. کسانی که او را بزرگ می‌کردند و پرورش می‌دادند آدم‌هایی سستخیز و مذهبی بودند اما پدرش فرندلی، پسرش را به دنبال کردن موسیقی تشویق و در غیاب می‌کرد هم‌نظیر اوایل دهه ۵۰ زمانی که هنوز بچه بود به خواهر و برادرانش یعنی سسیل، کر تیس، هری و فرندلی جونیور پیوست تا کونترینت گاسپل «برادران وومک» را تشکیل دهند. (گاسپل موسیقی مذهبی-مسیحی سیاهان است که در آن زمان تنها در کلیساها اجرا می‌شد) آن‌ها در سال ۱۹۵۳ انتخاب شدند تا مراسم بازگشایی یک برنامه محلی برای گروه «the Soul Stirrers» را برگزار کنند جای که بایی با خواننده رهبر گروه سم کوک (کوک ستاره‌ای بود که همکاری هایش با فرانک سیناترا و دین مارتین او را به اوج شهرت رسانده بود) دوست شد. به دنبال این رخداد موفقیت آمیز، آن‌ها به تورهای مختلفی در سراسر کشور رفته و برای گروه‌های بی‌شماری مراسم بازگشایی برگزار کردند. زمانی که کوک کمیانی خود به نام SAR بنیانگذاری کرد تصمیم گرفت گروه برادران وومک را دوباره کنار هم آورده و استخدام کند این‌بار با این رویکرد که آن‌ها به سمت موسیقی «راندبی» بیایند. فرندلی وومک وقتی متوجه شد که پسرانش به سرعت موسیقی «سکولار» رفته‌اند آن‌ها را از خانه بیرون انداخت. کوک به آن‌ها مبلغی پول رساند تا آن‌ها بتوانند ماشینی بخرند و خود را به دفتر کار او که در لس‌آنجلس بود، برسانند.



#### درباره بایی وومک، موسیقیدان برجسته سیاه‌پوست که در ۷۰ سالگی درگذشت

## وقتی همه چیز تمام شد

گردآوری و ترجمه: ریما آسا

خبر مرگ بایی وومک در هفته اخیر از بسیاری رسانه‌های نوشتاری داخلی و رسانه‌های خارجی بازتاب داده شد. توجه گسترده به مرگ این موسیقیدان سیاه‌پوست شاید بسیاری از علاقه‌مندان موسیقی که شناختی از وومک ندارند را کنجکاو کرده باشد که بدانند وومک کیست و اهمیت او در موسیقی معاصر امریکا و حتی انگلیس چه بوده است. به همین خاطر مروری خواهیم داشت بر زندگی و هنر بایی وومک که او را از آخرین افسانه‌های زنده موسیقی سول (موسیقی مختص سیاهان) می‌دانند.

بایی وومک، هنرمند سستخوش و کهنه‌کاری که قبل از تبدیل شدن به ستاره موسیقی سول، دین خود را به موسیقی سیاهان ادا کرده بود، توانست در جریان اعتیاد و ترازدی‌های دیگر زندگی‌اش استقامت کند و در نهایت به عنوان یک نجات‌یافته موفق در موسیقی سول بدرخشد. او توانست در روی صحنه به عنوان یک خواننده و در پشت صحنه به عنوان یک آهنگساز و ترانه‌سرا توجه عموم را به خود جلب کند. وومک هیچگاه انطوری که باید از مخاطبان پاپ توجه نگرفت اما در طول دهه شصت و بیشتر دهه ۷۰ خلق متناوب جدول پرفروش‌های «راندبی» شد، به علاوه این که همیشه استانداردهای مطلوبی را نیز حفظ می‌کرد. رکورد‌های او موسیقی ناب سول بود هم‌راه با تکنیک‌هایی که او از افرادی نظیر سم کوک، ویلسون پیکت و اسلای استون آموخته بود، کسانی که وومک در دوره‌های مختلف، از نزدیک با آن‌ها کار کرده بود. البته این آثار مهر و نشان شخصیت ویژه وومک را هم با خود داشتند. وومک به کورتیس مایفیلد که دیدگاهش نزدیک به او بود نیز کمک کرد و جزو اولین هنرمندانی بود که جیمی هندریکس از آن‌ها الهام گرفت. مضاف بر این‌ها آهنگ‌های او توسط هنرمندان بسیاری در حوزه موسیقی راک و

### الیوم روز

#### از محیط زیست واز عشق



آلبوم «خرس سیاه بلوچی» آلبومی از گروه «خورشید سیاه»، حاوی ۸ قطعه در سبک راک و هاردراک است که در حمایت از محیط زیست و مصائب مربوط به آن تولید شده است.

گروه «خورشید سیاه» اولین گروه موسیقی در ایران است که به طور مشخص حامی محیط زیست است و اخیراً هم کنسرت رایگانی در سالن اجتماعات سازمان محیط زیست برگزار کرد. این گروه حتی اسامی‌های هم برای خود تعریف کرده و در آن توضیح داده که: «خیلی‌ها از ما می‌پرسن چرا رویکرد زیست محیطی در آثار ما غالب است؟ ما در جواب آن‌ها می‌گوییم: چرا نه؟! مگر موضوع مهم‌تری هم هست. ابتدا باید یک محیط برای زیستن باشد تا ما در آن زندگی کنیم و بعد به نیازهای دیگر بپردازیم. از عشق و جدایی بگیر تا امور روزمره و فلسفه...»

این گروه خیلی زود در میان فعالان محیط زیست طرفدار پیدا کردند و بیش از آن که اهالی موسیقی به بحث و نظر درباره آن‌ها بپردازند، فعالان اجتماعی از آن‌ها گفتند و زیست بیکار را مهم‌ترین دلایلی که برای آلبوم آن‌ها رخ داد این بود که «خرس سیاه بلوچی» در وهله اول شنیدنی بود و به همین دلیل فضای بحث و نظر درباره ابعاد اجتماعی آلبوم به وجود آمد.

قطعه اول این آلبوم «دریاچه» نام دارد و در سوگ دریاچه ارومیه خوانده شده است. قطعه دوم «خو» نام دارد که قطعه اجتماعی دربار عادت‌های غلط انسانی است. قطعه سوم «گذریم» درباره شکارچی و محیط‌بانانی است که در راه حفظ محیط زیست قربانی شدند. قطعه چهارم «خرس سیاه بلوچی» است که در تکفیر بی‌توجهی به زوال نژاد خرسی سیاه بلوچی است. قطعه پنجم «منی کشیم» قطعه دیگری درباره محیط زیست است. قطعه ششم «برندگان» نام دارد که درباره برندگان و جهان زیبایی آن‌هاست. قطعه هفتم «خرس قطبی سیریم» نام دارد. قطعه بسیار تأثیرگذاری که در تقیح آن ویدئوی دردناکی سروده و ساخته شده است که طی آن دو شکارچی، یکی خرس مادر و دو فرزندش را در منطقه سیب گام‌ها کشتار کردند ولی حتی نمی‌دانستند چه چیزی شکار کردند و روی تصویری که با موبایل گرفته شده یکی از دیگری می‌پرسد این چیست؟ خرس قطبی است؟! این قطعه یکی از زیباترین قطعات اجتماعی منتشر شده در موسیقی معاصر ایران است. نکته جالب این است که آلبوم با قطعه «پوست دارم» تمام می‌شود که یک عاشقانه تغزلی است و حال و هوای خاصی دارد.

گروه «خورشید سیاه» در پاییز سال ۱۳۹۰ تشکیل شد. چنانگیر رها ترانه‌سرا، خواننده و نوازنده گیتار الکتریک، آرش اسلامی نوازنده گیتار الکتریک و طاهر علی رضایی نوازنده گیتار باس می‌باشند این گروه را تشکیل می‌دهند. گروه موسیقی «خورشید سیاه» که پیش از انتشار این آلبوم با ارائه تک آهنگ خود راه جامعه موسیقی معرفی کرده بود اولین بار آهنگ «خرس سیاه بلوچی» را منتشر کرد. این گروه طی فعالیت‌های چند ساله گذشته خود غیر از برگزاری چند کنسرت موسیقی‌هایی که با استقبال خوب علاقه‌مندان موسیقی و محیط زیست برگزار شد، به انتشار چند قطعه موسیقی از جمله «بیز گرد عربی»، «به نوروز»، «قاره هفتم»، «داروک» و «قسمت نامه» اقدام کرد.